

## قسمت اول جهان مرکزی و فوق جهانیها

### مقاله 1

#### پدر جهانی

پدر جهانی خدای تمامی آفرینش است، اولین منبع و مرکز تمامی چیزها و موجودات. اول به خدا به مثابه یک آفریننده فکر کنید، سپس به مثابه یک کنترل کننده، و نهایتاً به مثابه یک حامی لایتناهی. حقیقت در باره پدر جهانی شروع به پدیدار شدن به انسان نموده بود وقتی که پیامبری گفت: ”تو، خداوند، تنها هستی، هیچ کس غیر از تو وجود ندارد. تو فلک و فلک افلاک را با تمامی فرشتگان آسمانی آن آفریده‌ای. تو آنها را نگاهداری و کنترل می‌کنی. جهانها توسط پسران خدا ساخته شدند. آفریننده خود را چون جامه‌ای با نور می‌پوشاند و افلاک را همانند یک پرده می‌گسترده.“ فقط مفهوم پدر جهانی — یک خدا به جای چند خدا — انسان فانی را قادر ساخت که پدر را به مثابه آفریننده‌ای الهی و کنترل کننده‌ای لایتناهی بفهمد.

هزاران منظومه سیاره‌ای تماماً ساخته شدند تا نهایتاً توسط بسیاری از انواع گوناگون مخلوقات هوشمند مسکونی گردند، موجوداتی که بتوانند خداوند را بشناسند، مهر الهی را دریافت کنند و متقابلاً به او عشق بورزند. جهان جهانها کار خداوند و مکان اقامت مخلوقات متنوع او است. ”خداوند افلاک را آفرید و زمین را شکل داد. او جهان را بنا نهاد و این دنیا را بیهوده خلق نکرد. او آن را شکل داد تا مسکونی گردد.“

کرات آگاه همگی پدر جهانی، سازنده جاودان و نگاهدارنده لایزال تمامی آفرینش را می‌شناسند و او را پرستش می‌کنند. مخلوقات صاحب اراده سراسر گیتی عازم سفر بهشتی طولانی طولانی شده‌اند، تقلای مجذوب کننده ماجرای ابدی دستیابی به خداوند پدر. هدف برتر فرزندان زمان این است که خداوند جاودانه را پیدا کنند، طبیعت الهی را درک کنند، و پدر جهانی را بشناسند. مخلوقات خداشناس فقط یک آرزوی محض، فقط یک اشتیاق شعله‌ور دارند، و آن این است که، همان طور که در قلمروهای خود هستند، همانند او شوند، همان گونه که او در شخصیت کامل بهشتی خویش و در قلمرو جهانی تفوق نیکویش می‌باشد. از پدر جهانی که در ابدیت سکنی می‌گزیند این فرمان عالی صادر شده است: ”کامل باشید، همان گونه که من کامل هستم.“ پیامبران بهشت با مهر و بخشش این اندرز الهی را طی اعصار و در سرتاسر جهانها حمل کرده‌اند، حتی به چنین مخلوقات حیوان - منشأ دون پایه‌ای نظیر نژادهای انسانی یورنیشیا.

جامه عمل پوشانیدن به این فرمان باشکوه و جهانی، تلاش برای دستیابی به کمال خداگونه، اولین وظیفه تمامی مخلوقات در حال تقلای آفرینش خدای کمال است، و باید بالاترین آرزوی آنها باشد. این امکان دستیابی به کمال الهی، سرنوشت نهایی و قطعی تمامی پیشرفت معنوی ابدی انسان می‌باشد.

انسانهای یورنسیا به سختی می‌توانند امید به کمال در مفهوم بیکران آن را داشته باشند، اما برای موجودات بشری به گونه‌ای که در این سیاره شروع می‌کنند، کاملاً میسر است که به هدف آسمانی و الهی که خدای بیکران برای انسان فانی مقرر نموده دست یابند؛ و هنگامی که آنان به این سرنوشت دست می‌یابند، در تمامی آنچه که به خود شکوفایی و نیل فکری مربوط می‌شود، همانقدر در قلمرو کمال الهی خود لبریز خواهند شد که خداوند خود در قلمرو بیکرانی و ابدیت خود می‌باشد. این چنین کمالی ممکن است از نظر مادی فراگیر، در دریافت روشنفکرانه نامحدود، یا در تجربه معنوی نهایی نباشد، اما در تمامی جنبه‌های متناهی ربانیت اراده، کمال انگیزه شخصیت، و خداشناسی، نهایی و کامل است.

این معنی حقیقی آن فرمان الهی است، "کامل باشید، همان گونه که من کامل هستم" که همواره انسان فانی را در آن تقلای طولانی و شگرف برای دستیابی به سطوح بالاتر و والاتر ارزشهای معنوی و معانی حقیقی جهان به پیش می‌برد و به درون سوق می‌دهد. این جستجوی والا برای خدای جهانیان برترین ماجرای ساکنان تمامی کرات زمان و فضا می‌باشد.

## 1- نام پدر

از میان تمامی نامهایی که خداوند پدر در سراسر جهانها به آنها شناخته می‌شود، عمدتاً به آنانی که او را به عنوان اولین منبع و مرکز جهان مشخص می‌دارند برخورد می‌شود. اولین پدر در جهانهای مختلف و در نواحی متفاوت همان جهان، به نامهای گوناگون شناخته می‌شود. نامهایی که مخلوق به خالق تخصیص می‌دارد بسیار به برداشت مخلوق از خالق بستگی دارد. اولین منبع و مرکز جهان هرگز خود را با نام آشکار نساخته است، بلکه فقط با سرشت. اگر ما اعتقاد داریم که فرزندان این آفریدگار هستیم، بسیار طبیعی است که او را نهایتاً پدر بنامیم. اما این نام انتخابی خودمان است و برخاسته از تصدیق رابطه شخصیمان با اولین منبع و مرکز می‌باشد.

پدر جهانی هرگز هیچ شکلی از شناسایی مستبدانه، پرستش رسمی یا خدمت برده‌وار را بر مخلوقات هوشمند صاحب اراده جهانها تحمیل نمی‌دارد. ساکنان تکاملی کرات زمان و فضا باید توسط خود — در قلوب خودشان — او را به رسمیت شناخته، دوست بدارند، و داوطلبانه پرستش کنند. آفریدگار از ناگزیر ساختن یا وادار نمودن مخلوقات مادی خویش به تسلیم معنوی آزادشان امتناع می‌ورزد. وقف عاطفی خواست انسان به انجام خواسته پدر عالی‌ترین هدیه به خداوند است. در واقع، یک چنین وقف خواست مخلوق تنها هدیه ممکن و به راستی با ارزش را به پدر آسمانی تشکیل می‌دهد. انسان با خدا زندگی می‌کند، حرکت می‌کند و وجود دارد. انسان هیچ چیز به خداوند نمی‌تواند بدهد به جز این انتخاب که در خواست خداوند پایدار بماند، و چنین تصمیماتی که توسط مخلوقات صاحب اراده هوشمند جهانها به اجرا در می‌آید واقعیت آن پرستش حقیقی را که بسیار به طبیعت سرشار از محبت پدر آفریننده خشنود کننده است تشکیل می‌دهد.

هر گاه که شما روزی حقیقتاً خدا آگاه شوید، بعد از این که شما واقعاً آفریدگار بزرگ را کشف کنید و شروع کنید تحقق حضور سکنی‌گزین کنترل‌کننده الهی را تجربه نمایید، آنگاه، مطابق آگاهی‌تان و بر طبق نحوه و روشی که پسران الهی خداوند را آشکار می‌سازند، نامی برای پدر جهانی خواهید یافت که به طرزی شایسته بیانگر برداشت

شما از اولین منبع و مرکز بزرگ خواهد بود. و بدین ترتیب، در کرات مختلف و در جهانهای گوناگون، آفریدگار با القاب بیشمار شناخته می‌شود، که در مفهوم رابطه همگی به یک معنی هستند اما، در لغات و سمبلها، هر نام نمایانگر درجه و عمق ستایش او در قلوب مخلوقاتش در هر عالمی می‌باشد.

در نزدیکی مرکز جهان جهانها، پدر جهانی عموماً با نامهایی که به معنی اولین منبع تلقی می‌شود شناخته می‌شود. دورتر از آن در جهانهای فضا، عباراتی که برای نامگذاری پدر جهانی به کار برده می‌شود غالباً مرکز جهانی معنی می‌دهد. باز هم دورتر از آن در آفرینش پرستاره، نظیر کره مفر مرکزی جهان محلی شما، او به عنوان اولین منبع آفریننده و مرکز الهی شناخته می‌شود. در یک کوكبۀ نزدیک خداوند پدر جهانها خوانده می‌شود. در دیگری، نگاهدارنده بیکران، و به سوی شرق، کنترل کننده الهی. او همچنین پدر نورها، هدیه زندگی، و قادر یگانه نامیده شده است.

در آن کراتی که یک پسر بهشتی، در حیاتی اعطایی زندگی کرده است، خداوند عموماً با نامهایی که نمایانگر رابطه شخصی، عاطفه مهرآمیز، و وقف پدران است شناخته می‌شود. در مفر مرکزی کوكبۀ شما خداوند به عنوان پدر جهانی مورد اشاره قرار می‌گیرد، و در سیارات مختلف در سیستم محلی کرات مسکونی شما او به صورت گوناگون به عنوان پدر پدران، پدر بهشتی، پدر هاونا، و پدر روحی شناخته می‌شود. آنهایی که خداوند را از طریق آشکارسازیهای اعطاهای پسران بهشتی می‌شناسند، نهایتاً تسلیم جذبۀ پرعطوفت رابطه احساس برانگیز ارتباط مخلوق - خالق شده و خداوند را به عنوان "پدر ما" مورد اشاره قرار می‌دهند.

در یک سیاره حاوی مخلوقات دارای جنسیت، در دنیایی که محرکهای احساس پدران و مادرانه ذاتی قلوب موجودات هوشمند آن است، عبارت پدر نامی بسیار گویا و درخور برای خداوند جاودانه می‌باشد. او در سیاره شما، یورنشیاء، با نام خدا به بهترین صورت شناخته شده، و با جامع‌ترین شکل مورد پذیرش قرار گرفته است. نامی که به او داده می‌شود، از اهمیت کمی برخوردار است. مهم این است که شما باید او را بشناسید و آرزو کنید مانند او باشید. پیامبران دیرین شما به درستی او را "خدای جاودانه" می‌نامیدند و او را به عنوان کسی که "در ابدیت سکونت دارد" مورد اشاره قرار می‌دادند.

## 2- واقعیت خداوند

خداوند در دنیای روح واقعیت آغازین است. خداوند در عرصه‌های ذهنی سرچشمه حقیقت است. خداوند در سراسر قلمروهای مادی بر همه چیز سایه می‌افکند. برای تمامی موجودات هوشمند آفریده شده خداوند یک شخصیت است، و برای جهان جهانها او اولین منبع و مرکز واقعیت ازلی است. خداوند نه شبیه انسان است و نه شبیه ماشین. پدر نخستین روح جهانی، حقیقت ابدی، واقعیت بیکران، و شخصیت پدران است.

خداوند جاودانه به حد بی‌نهایت بیش از واقعیت به کامل مطلوب رسیده یا جهان شخصیت یافته است. خداوند صرفاً اشتیاق والای انسان، و تلاش عینیت یافته انسان فانی نیست. خداوند صرفاً یک مفهوم، توان بالقوه درستکاری هم نیست. پدر جهانی مترادف طبیعت نیست، و قانون طبیعی شخصیت یافته هم نیست. خداوند یک واقعیت مافوق است، نه فقط مفهوم سنتی ارزشهای متعالی انسان. خداوند یک تمرکز رواشناسانه معانی معنوی نیست، و "عالی‌ترین کار انسان" هم نیست. خداوند می‌تواند در اذهان انسانها هر یک یا تمامی این مفاهیم باشد، ولی او بیش از اینها است. او برای تمامی کسانی که از آرامش معنوی در زمین لذت می‌برند، و آرزو دارند بقای شخصیت را به دنبال مرگ تجربه کنند، یک شخص نجات دهنده و یک پدر با محبت است.

واقعیت وجود خداوند در تجربه انسان توسط سکونت حضور الهی نشان داده می‌شود، روح ناصحی که از بهشت فرستاده شده تا در ذهن فانی انسان زندگی کند و در آنجا در تکامل روان فناپذیر برای بقای ابدی کمک نماید. حضور این تنظیم کننده الهی در ذهن انسان به وسیله سه پدیده تجربی آشکار می‌گردد:

1- ظرفیت عقلانی برای شناخت خداوند — خدا آگاهی.

2- میل شدید معنوی برای یافتن خداوند — خدا طلبی.

3- اشتیاق شخصیت برای همانند خداوند بودن — تمایل قلبی برای انجام خواست پدر.

وجود خداوند به وسیله آزمایش علمی یا با استدلال صرف استنتاج منطقی هرگز نمی‌تواند اثبات گردد. خداوند فقط در حیطه تجربه انسان می‌تواند شناخته شود. با این وجود، مفهوم حقیقی واقعیت خداوند برای منطق مستدل، برای فلسفه قابل پذیرش، برای مذهب اساسی، و برای هر امید به بقای شخصیت ضروری است. آنهایی که خداوند را می‌شناسند واقعیت وجود او را تجربه کرده‌اند. چنین انسانهای خداشناسی تنها گواه مثبت وجود خدای زنده را که یک انسان می‌تواند به دیگری عرضه دارد در تجربه شخصی خود دارا می‌باشند. وجود خداوند به کلی در ورای تمامی احتمالات اثبات نمودن است، به استثنای تماس بین خدا آگاهی ذهن انسان و خدا حضور تنظیم کننده فکر که در عقل انسان فانی ساکن است و به عنوان هدیه رایگان پدر جهانی به انسان عطا می‌گردد.

شما در تئوری می‌توانید خدا را به عنوان آفریننده پندارید، و او شخصاً آفریننده بهشت و جهان مرکزی کمال می‌باشد، ولی جهانهای زمان و فضا همگی توسط گروه بهشتی پسران خالق آفریده شده و سازمان یافته‌اند. پدر جهانی شخصاً آفریننده جهان محلی نبادان نیست. جهانی که شما در آن زندگی می‌کنید آفرینش پسر او میکائیل است. اگر چه پدر شخصاً جهانهای تکاملی را خلق نمی‌کند، او در بسیاری از روابط جهانیان و در برخی از جلوه‌های انرژیهای فیزیکی، ذهنی، و معنوی آنها را کنترل می‌کند. خدای پدر آفریننده شخصی جهان بهشت، و به همراه پسر جاودان، خالق تمامی آفرینندگان شخصی دیگر جهان می‌باشد.

اولین منبع و مرکز، به عنوان یک کنترل کننده فیزیکی در جهان مادی جهانها، در الگوهای جزیره جاودان بهشت عمل می‌کند، و خدای ابدی از طریق این مرکز جاذبه مطلق، کنترل فراگیر کیهانی را بر سطح فیزیکی به طور برابر در جهان مرکزی و در سراسر جهان جهانها اعمال می‌کند. خداوند به عنوان ذهن در الوهیت روح بیکران عمل می‌کند. خداوند به عنوان روح، در شخص پسر جاودان و در اشخاص پسران الهی پسر جاودان آشکار می‌شود. این ارتباط متقابل اولین منبع و مرکز با اشخاص همتراز و مطلق‌های بهشت به هیچ وجه مانع عمل شخصی مستقیم پدر جهانی در سراسر تمامی آفرینش و در تمامی سطوح آن نمی‌شود. پدر آفریننده از طریق حضور روح به اجزاء تقسیم شده خود تماس بلافاصله با فرزندان مخلوق و جهانهای خلق شده خود برقرار می‌نماید.

### 3- خداوند یک روح جهانی است

”خداوند روح است.“ او یک وجود روحانی جهانی است. پدر جهانی یک واقعیت بیکران روحانی است. او ”با اقتدار، ابدی، فناپذیر، نادیدنی، و تنها خدای حقیقی است.“ اگر چه شما ”اولاد خداوند“ هستید، به واسطه این که به شما گفته شده است ”شبهه او“ آفریده شده‌اید، و این که ناصح اسرارآمیز که از منزلگاه مرکزی حضور جاودانه او اعزام گشته در شما ساکن است، نباید فکر کنید که پدر در شکل و ساختار جسمانی شبیه خودتان می‌باشد.

موجودات روحی به رغم این که برای چشمان انسان نامرئی هستند، و با وجود این که از جسم و خون برخوردار نیستند، واقعی می‌باشند.

پیامبر پیشین گفت: ”بنگرید، او از کنار من عبور می‌کند و من او را نمی‌بینم، او همچنین می‌گذرد، ولی من متوجه او نمی‌شوم.“ ما ممکن است دائماً کارهای خداوند را مشاهده کنیم، ممکن است از شواهد مادی سلوک عظیم او بسیار آگاه باشیم، ولی ممکن است به ندرت به جلوه نمایان ربانیت او نظر بیافکنیم، و حتی حضور روح نایب او را که در انسان ساکن است نظاره نکنیم.

پدر جهانی به این دلیل نامرئی نیست که از مخلوقات دون پایه‌ای که از نقصانهای مادی و عطایای معنوی محدود برخوردارند خود را پنهان نموده است. بلکه وضعیت به این صورت است: ”شما نمی‌توانید چهره مرا ببینید، زیرا هیچ انسان فانی نمی‌تواند مرا ببیند و زنده بماند.“ هیچ انسان مادی نمی‌تواند خداوند روح را نظاره کند و موجودیت انسانی خود را حفظ نماید. نزدیکی به شکوه و درخشندگی روحانی حضور شخصیت الهی توسط گروههای پایین‌تر موجودات روحی یا هر رسته‌ای از شخصیت‌های مادی غیرممکن است. تابش روحانی حضور شخصی پدر ”نوری است که هیچ انسان فانی نمی‌تواند به آن نزدیک شود، که هیچ مخلوق مادی دیده یا قادر است ببیند.“ اما برای تشخیص خداوند با بینش مؤمنانه ذهن معنویت یافته نیازی به دیدن خداوند با چشمان جسمانی نیست.

طبیعت روحی پدر جهانی به طور کامل با همزیست خود او، پسر جاودان بهشت قسمت می‌شود. پدر و پسر هر دو به طریقه مشابه روح جهانی و جاودان را به طور کامل و بی‌دریغ با شخصیت قرین و هم‌تراز خود، روح بیکران، قسمت می‌کنند. روح خداوند در خود او و به واسطه خود او مطلق است، در پسر کامل، در روح فراگیر، و در همه آنها و به واسطه همه آنها بیکران است.

خداوند یک روح جهانی است؛ خداوند شخص جهانی است. واقعیت متعالی شخصی آفرینش متناهی روح است. واقعیت غایبی کیهان شخصی روح اُسُونایت است. تنها سطوح ابدیت مطلق هستند، و فقط در چنین سطوحی نهایت یگانگی میان ماده، ذهن، و روح وجود دارد.

در جهانها خداوند پدر به طور بالقوه کنترل کننده مافوق ماده، ذهن، و روح است. خداوند فقط توسط مدار شخصیتی گسترده خود مستقیماً با شخصیت‌های آفرینش پهناور مخلوقات ارادی خود رابطه برقرار می‌کند، ولی او (در خارج از بهشت) فقط در حضور وجودهای به اجزاء تقسیم شده خود، اراده خداوند در جهانهای خارج، قابل تماس است. این روح بهشتی که در اذهان انسانهای زمان ساکن است و در آنجا تکامل روان فناپذیر مخلوق بقا یافته را شکوفا می‌سازد، از سرشت و ربانیت پدر جهانی است. ولی اذهان چنین مخلوقات تکاملی در جهانهای محلی منشأ می‌یابد و باید از طریق کسب آن دگرگونیهای تجربی نیل معنوی که نتیجه اجتناب‌ناپذیر انتخاب مخلوق برای انجام خواست پدر آسمانی است به کمال خداگونه دست یابد.

در تجربه درونی انسان، ذهن به ماده پیوسته است. چنین اذهان به ماده اتصال یافته‌ای نمی‌توانند از مرگ انسانی نجات یابند. تکنیک بقا در آن تعدیل‌های میل انسان و آن دگرگونیهای ذهن انسان نهفته است که از طریق آن چنین خرد خدا آگاه به تدریج از روح می‌آموزد و سرانجام از طریق روح هدایت می‌گردد. این تکامل ذهن انسان از پیوستگی مادی به پیوند روحی، به تغییر ماهیت از مراحل بالقوه روحی ذهن انسان به واقعیت‌های مورانشیای روان فناپذیر منتج می‌گردد. ذهن انسانی که از ماده متابعت دارد به طور فزاینده مادی شدن را در تقدیر دارد و در پی آن سرانجام دچار فنای شخصیتی خواهد شد. ذهنی که به روح تسلیم می‌شود به طور فزاینده تقدیرش روحانی شدن و نهایتاً نیل به یگانگی با روح بقا دهنده و هدایت کننده است و بدین طریق به بقا و ابدیت وجود شخصیت دست می‌یابد.

من از نزد جاودانه می‌آیم، و مکرراً به پیشگاه پدر جهانی بازگشته‌ام. من از واقعیت و شخصیت اولین منبع و مرکز، پدر جاودانه و جهانی آگاهی دارم. من می‌دانم، ضمن این که خدای بزرگ مطلق، ابدی، و بیکران است، همچنین نیک، الهی، و بخشنده است. من حقیقت این بیانات بزرگ را می‌دانم: "خداوند روح است" و "خداوند محبت است"، و این دو ویژگی به کامل‌ترین نحو در پسر جاودان به گیتی آشکار شده است.

#### 4- راز خداوند

بیکرانی کمال خداوند به گونه‌ای است که او را برای ابد به صورت راز در می‌آورد. و بزرگترین اسرار غیرقابل درک خداوند پدیده سکونت الهی در ذهن انسانها می‌باشد. طریقه‌ای که به واسطه آن پدر جهانی نزد مخلوقات زمان موقتاً اقامت می‌کند عمیق‌ترین اسرار گیتی است. حضور الهی در ذهن انسان راز رازها است.

بدنهای فیزیکی انسانها "معبد خداوند" هستند. به رغم این که پسران عالی رتبه آفریننده به مخلوقات کرات مسکونی خود نزدیک می‌شوند و "تمامی انسانها را به خود جلب می‌کنند"، گر چه آنها "در مقابل در آگاهی ایستاده" و "در می‌زنند" و از ورود به درون تمام آنهايي که "درهای قلوب خود را می‌گشایند" مسرور می‌شوند، گر چه این مشارکت ربانی شخصی صمیمانه میان پسران خالق و مخلوقات انسانی آنان موجود است، با این وجود، انسانهای فانی چیزی از خود خداوند دارند که در واقع در درونشان ساکن است و از آنجا بدنهای آنها معبد می‌شوند.

وقتی که کار شما در اینجا به اتمام رسید، زمانی که مسیر شما در شکل موقت در زمین طی گردید، هنگامی که سفر آزمایشی شما در جسم به پایان رسید، وقتی که خاکی که خیمه‌گاه انسان را تشکیل می‌دهد "به زمین که از آنجا می‌آید باز گردد"، آنگاه آشکار می‌شود، "روح سکنی‌گزین به خدایی که آن را داده باز خواهد گشت." درون هر موجود فانی این سیاره ذره‌ای از خداوند، قسمت و جزئی از ربانیت اقامت دارد. آن به واسطه حق تعلق هنوز متعلق به شما نیست، ولی اگر از وجود فانی بقا یابید، طراحاً در نظر گرفته شده که با شما یکی گردد.

ما همواره با این راز خداوند مواجه هستیم. ما از آشکار شدن فزاینده دورنمای بی‌پایان حقیقت نیکی بی‌نهایت، رحمت بی‌پایان، خرد بی‌همتا، و شخصیت عالی او مبهور هستیم.

راز الهی در بر گیرنده تفاوت ذاتی است که میان متناهی و نامتناهی، گذرا و ابدی، مخلوق زمان - مکان و آفریننده جهانی، مادی و معنوی، نقص انسان و کمال پروردگار بهشت وجود دارد. خدای محبت جهانی به طور بی‌وقفه خود را به هر یک از مخلوقات خود تا حد کامل ظرفیت آن مخلوق برای درک معنوی کیفیتهای حقیقت، زیبایی، و نیکی الهی آشکار می‌سازد.

بر هر موجود روحی و بر هر مخلوق فانی در هر گستره و در هر کره جهان جهانها، پدر جهانی تمامی ذات بخشنده و الهی خود را که توسط چنین موجودات روحی و توسط چنین مخلوقات فانی بتواند تشخیص داده شده یا درک گردد، آشکار می‌سازد. خداوند برای اشخاص، چه روحی و چه مادی، امتیاز ویژه قائل نیست. حضور الهی که هر فرزند جهان در هر لحظه مشخص از آن بهره‌مند می‌شود فقط با ظرفیت چنین مخلوقی برای دریافت و درک واقعیتهای روحی دنیای فوق مادی محدود می‌گردد.

خداوند به عنوان یک واقعیت در تجربه معنوی انسان یک راز نیست. اما وقتی که کوشش می‌شود واقعیتهای دنیای روحی را به اذهان فیزیکی مرتبه مادی روشن ساخت، راز پدیدار می‌گردد: اسرارهایی چنان ظریف و چنان ژرف که فقط درک مبتنی بر ایمان انسان خداشناس می‌تواند به معجزه فلسفی شناخت نامتناهی توسط متناهی، درک خدای جاودان توسط انسانهای در حال تکامل کرات مادی زمان و فضا، دست یابد.

## 5- شخصیت پدر جهانی

اجازه ندهید که عظمت خداوند، بیکرانی او، شخصیت او را از نظر پنهان داشته یا ببوشاند. "او که گوش را طراحی کرد، آیا نخواهد شنید؟ او که چشم را شکل داد، آیا نخواهد دید؟" پدر جهانی نقطه اوج شخصیت الهی است. او منشأ و مقصد شخصیت در سراسر آفرینش است. خداوند هم بیکران و هم شخصی است. او یک شخصیت بیکران است. پدر به راستی یک شخصیت است، به رغم این که بیکرانی شخص او برای همیشه او را در ماورای ادراک کامل موجودات مادی و متناهی قرار می‌دهد.

آن طور که شخصیت توسط ذهن انسان فهمیده می‌شود، خداوند بسیار بیش از یک شخصیت است. او حتی بسیار بیش از هر ایده ممکن از یک فوق شخصیت است. اما کاملاً بیهوده است که چنین مفاهیم غیرقابل درکی از شخصیت الهی را با اذهان مخلوقات مادی که حداکثر ایده آنان از واقعیت وجود عبارت از تصور و فرض خیالی از شخصیت است مطرح نمود. بالاترین ایده ممکن مخلوق مادی از آفریننده جهانی در میان آرمانهای معنوی پنداشت تجلیل شده از شخصیت الهی محصور می‌گردد. از این رو، اگر چه شما ممکن است بدانید که خداوند باید بسیار بیش از تصور انسان از شخصیت باشد، شما به همان اندازه به خوبی می‌دانید که امکان ندارد پدر جهانی چیزی کمتر از یک شخصیت جاودانه، بیکران، حقیقی، نیک، و زیبا باشد.

خداوند خود را از هیچیک از مخلوقاتش پنهان ننموده است. او به این علت به انواع بسیار زیادی از موجودات غیرقابل نزدیک شدن است که "در داخل نوری ساکن است که هیچ مخلوق مادی قادر به نزدیک شدن به آن نیست." عظمت و بزرگی شخصیت الهی در ورای درک ذهن ناکامل انسانهای در حال تکامل است. او "آنها را در گودی دست خود اندازه می‌گیرد، یک جهان را با کف دست خود اندازه می‌گیرد. این او است که در دایره زمین می‌نشیند، که آسمانها را چون پرده‌ای می‌گستراند و آنها را به سان جهانی برای اقامت گزیدن پهن می‌نماید." "به بالا نظر افکنید و بنگرید چه کسی همه این چیزها را آفریده است، که کراتش را با عدد ظاهر می‌سازد و همه آنها را با نامهایشان می‌خواند؛ و از این رو حقیقت دارد که "چیزهای نامرئی خداوند به وسیله چیزهایی که آفریده شده‌اند بخشاً درک می‌شوند." امروز و همان گونه که هستید، باید آفریننده نادیدنی را از طریق آفرینش متنوع و گوناگون او، و نیز از طریق آشکارسازی و خدمت روحانی پسرانش و تحت مسئولین بشمارشان تشخیص دهید.

با وجود این که انسانهای مادی نمی‌توانند شخص خداوند را ببینند، باید با خاطر جمعی از این که او یک شخص است شادمان باشند و به وسیله ایمان این حقیقت را که نمایانگر این است که پدر جهانی آن قدر دنیا را دوست داشت که برای پیشرفت معنوی ابدی ساکنان دون پایه آن وسیله فراهم سازد بپذیرند، و این که او "در فرزندان شادمان می‌گردد." خداوند فاقد هیچیک از ویژگیهای فوق انسانی و الهی که یک شخصیت کامل، جاودانه، با محبت، و آفریننده بیکران را در بر می‌گیرد نیست.

در آفرینشهای محلی (به استثنای پرسنل فوق جهان) گذشته از پسران آفریننده بهشتی که پدران کرات مسکونی و حکمرانان جهانهای محلی هستند خداوند هیچ جلوه‌گری شخصی یا مسکونی ندارد. اگر ایمان مخلوق کامل می‌بود، مطمئناً می‌دانست زمانی که او یک پسر آفریننده را دیده است پدر جهانی را نیز دیده است. در جستجو برای پدر، او نه تقاضا کرده و نه انتظار دارد کسی جز پسر را ببیند. انسان فانی به عبارت ساده تا وقتی که به دگرگونی ماهوی تکمیل یافته روحی دست یابد و عملاً به بهشت رسد نمی‌تواند خداوند را ببیند.

سرشت پسران آفریننده بهشتی تمامی پتانسیلهای نامحدود مطلق بودن جهانی طبیعت بیکران اولین منبع و مرکز بزرگ را در بر نمی‌گیرد، اما پدر جهانی به تمام انحاء به طریقی الهی در پسران آفریننده حضور دارد. پدر و پسران او یکی هستند. این پسران بهشتی رتبه میکائیل شخصیت‌های کاملی هستند، و حتی برای تمامی شخصیت‌های جهان محلی از ستاره تابان و بامداد گرفته تا پایین‌ترین مخلوق انسانی متعلق به تکامل حیوانی پیش‌رونده، الگو می‌باشند.

بدون خداوند و سوا از شخص بزرگ و مرکزی او، هیچ شخصیتی در سرتاسر جهان جهانی‌های پهناور وجود نمی‌داشت. خداوند شخصیت است.

با وجود این که خداوند یک نیروی ازلی، یک حضور با عظمت، یک ایده‌آل مافوق و یک روح پر جلال است، گر چه او تمامی اینها و بی‌نهایت بیشتر است، با این حال، او به راستی و برای ابد یک شخصیت کامل آفریننده است، شخصی که می‌تواند "بشناسد و شناخته شود"، که می‌تواند "دوست بدارد و دوست داشته شود"، و کسی که می‌تواند دوست ما باشد. حال آن که شما نیز مثل سایر انسانها می‌توانید به عنوان دوست خداوند شناخته شوید. او یک روح واقعی و یک واقعیت روحانی است.

همینطور که ما پدر جهانی را در سراسر جهانش در حال آشکار شدن می‌بینیم؛ همینطور که او را در حال سکنی گزیدن در هزاران مخلوقش مشاهده می‌کنیم؛ همینطور که او را در شخص پسران عالی رتبه‌اش نظاره می‌کنیم؛ همینطور که در اینجا و آنجا، در دور و نزدیک، مستمراً حضور الهی او را احساس می‌کنیم، بگذارید به برتری شخصیت او شک ننموده یا آن را زیر علامت سؤال قرار ندهیم. با وجود تمام این پراکندگی‌های گسترده، او یک شخص واقعی باقی می‌ماند و برای ابد با گروه‌های بی‌شمار مخلوقاتش که در سراسر جهان جهانی‌ها پراکنده‌اند ارتباط شخصی حفظ می‌نماید.

ایده شخصیت پدر جهانی یک مفهوم بسیط و حقیقی‌تر از خداوند است که عمدتاً از طریق آشکارسازی به انسان رسیده است. استدلال، خرد، و تجربه مذهبی تماماً به شخصیت خداوند اشاره داشته و بر آن دلالت دارد، اما در مجموع آن را تصدیق نمی‌کند. حتی تنظیم کننده فکری ساکن، پیش شخصی است. حقیقت و بلوغ هر مذهب مستقیماً متناسب با تصور کلی آن از شخصیت بیکران خداوند و درک آن از وحدت مطلق الوهیت می‌باشد. ایده یک الوهیت شخصی بعد از این که مذهب ابتدا مفهوم یگانگی خداوند را تدوین نمود، در آن هنگام، مقیاس بلوغ مذهبی می‌شود.

مذهب بدوی خدایان شخصی متعدد داشت، و آنها به شکل انسان ساخته شده بودند. آشکارسازی الهی، صحت مفهوم شخصیت خداوند را که صرفاً در نظریه علمی یک علت اولیه ممکن است و فقط در ایده فلسفی وحدت جهانی به طور موقت مطرح می‌گردد تأیید می‌کند. هر شخص فقط با شیوه شخصیت می‌تواند شروع به درک وحدانیت خداوند کند. انکار شخصیت اولین منبع و مرکز، تنها فرد را در انتخاب بین دو معضل فلسفی باقی می‌گذارد: ماتریالیسم یا پانتئیسم.

در تفکر پیرامون الوهیت، مفهوم شخصیت باید از ایده جسمیت جدا گردد. در انسان یا خداوند یک بدن مادی برای شخصیت ضروری نیست. خطای جسمیت در هر دو نقطه متقابل فلسفه انسانی نمودار است. در ماتریالیسم، چون انسان در هنگام مرگ بدن خود را از دست می‌دهد، به عنوان یک شخصیت از هستی باز می‌ایستد. در پانتئیسم، چون خداوند دارای بدن نیست، بنابراین یک شخصیت نیست. نوع فوق انسانی شخصیت پیشرو در اتحاد ذهن و روح عمل می‌کند.

شخصیت صرفاً یک ویژگی خداوند نیست، بلکه نمایانگر مجموعه طبیعت موزون بیکران و خواست یگانه الهی است که در ابدیت و کلیت تجلی کامل جلوه‌گر می‌شود. شخصیت، در مفهوم متعالی، آشکار شدن خداوند به جهان جهانیها است.

خداوند از آنجا که جاودانه، جهانی، مطلق، و بیکران است دانش او رشد نکرده و بر خرد او افزوده نمی‌شود. خداوند آن طور که انسان متناهی گمان برده یا درک می‌کند تجربه کسب نمی‌نماید، اما او در قلمرو شخصیت جاودانه خود، از آن گسترشهای مداوم استنباط نفس بهره‌مند است که به طرق مشخصی قابل قیاس با، و یا مشابه کسب تجربه جدید توسط مخلوقات متناهی کرات تکاملی می‌باشد.

اگر به خاطر این واقعیت نبود که پدر جهانی در تقالی شخصیت هر روان ناکامل در جهان پهناور که، با کمک الهی، در پی صعود به کرات به لحاظ معنوی کامل بالا است مستقیماً مشارکت دارد، کمال مطلق خدای بیکران موجب می‌شد که از محدودیت‌های مهیب نهایت نامحدود کمال رنج برد. این تجربه پیش رونده هر موجود روحی و هر مخلوق انسانی در سراسر جهان جهانیها بخشی از خدا آگاهی پیوسته در حال گسترش پدر از دایره بی‌پایان الهی استنباط نفس بی‌وقفه می‌باشد.

این در واقع حقیقت دارد: "در تمامی محنت‌های شما او آزرده می‌شود." "او در تمامی پیروزی‌های شما در شما و با شما پیروز می‌شود." روح الهی پیش شخصی او یک بخش واقعی از شما است. جزیره بهشت به تمامی دگرگونی‌های فیزیکی جهان جهانیها واکنش نشان می‌دهد. پسر جاودان تمامی محرک‌های روحی تمامی آفرینش را در بر دارد. عامل پیوند، تمامی تجلی ذهنی کیهان در حال گسترش را دارا می‌باشد. پدر جهانی تمامی تجارب فردی نقل‌های پیاپی اذهان گسترش یابنده و ارواح صعود کننده هر وجود، مخلوق، و شخصیت کل آفرینش تکاملی زمان و فضا را در کل ضمیر آگاه الهی خود متبلور می‌سازد. و این تماماً به راستی حقیقت دارد، زیرا "ما همگی در او حیات داشته و حرکت کرده و وجودمان را دارا می‌باشیم."

## 6- شخصیت در جهان

شخصیت بشر سایه - تصویر زمان - مکان است که توسط شخصیت آفریننده الهی طرح شده است. و هیچ واقعیتی هرگز نمی‌تواند از طریق معاینه سایه خود به طور مکفی درک شود. سایه‌ها باید بر حسب جوهر حقیقی تفسیر شوند.

خداوند برای علم یک علت، برای فلسفه یک ایده، برای مذهب یک شخص، و حتی پدر آسمانی با محبت است. خداوند برای دانشمند یک نیروی اولیه، برای فیلسوف یک فرضیه وحدت، و برای یک مذهبی یک تجربه زنده روحانی است. تصور نارسای انسان از شخصیت پدر جهانی فقط به وسیله پیشرفت معنوی انسان در جهان می‌تواند بهبود یابد و فقط زمانی که رهنوردان زمان و فضا سرانجام به آغوش الهی خداوند زنده در بهشت دست یابند حقیقتاً کفایت خواهد یافت.

هرگز نقطه نظرات متضاد پیرامون شخصیت را آن طور که توسط خداوند و انسان استنباط می‌گردد از نظر دور ندارید. انسان با نگرشی از متناهی به نامتناهی به شخصیت نظر افکنده و آن را درک می‌کند. خداوند از نامتناهی به متناهی می‌نگرد. انسان پایین‌ترین نوع شخصیت را دارا می‌باشد، خداوند، بالاترین، حتی متعالی، غائی، و مطلق. از این رو مفاهیم بهتر از شخصیت الهی باید با شکیبایی در انتظار ظهور ایده‌های اصلاح شده از شخصیت انسان بسر

می‌بردند، و به ویژه آشکارسازی فزون یافته شخصیت انسانی و الهی، هر دو، در زندگی اعطایی پسر آفریننده، میکائیل، در یورنشا.

روح پیش شخصی الهی که در ذهن انسان ساکن است در حضور عینی خود، حامل گواه معتبر وجود واقعی او می‌باشد، اما مفهوم شخصیت الهی تنها با بینش معنوی تجربه شخصی راستین مذهبی می‌تواند درک شود. هر شخصی، بشری یا الهی، می‌تواند کاملاً مجزا از واکنشهای بیرونی یا حضور مادی آن شخص شناخته شده و درک شود.

برای دوستی میان دو شخص درجاتی از شباهت اخلاقی و سازگاری معنوی ضروری است. یک شخصیت با محبت به سختی می‌تواند خود را به یک شخص بی‌مهر آشکار سازد. حتی برای نزدیک شدن به شناخت یک شخصیت الهی، تمامی عطایای شخصیتی انسان باید کاملاً وقف این کوشش گردد. وقف مرددانه و نیمه کاره بی‌فایده خواهد بود.

انسان هر چه کاملتر خود را بشناسد و قدر ارزشهای شخصیتی هموعانش را بدانند، بیشتر آرزوی شناخت شخصیت آغازین را خواهد داشت و چنین انسان خداشناسی با اشتیاق بیشتری خواهد کوشید همانند شخصیت آغازین گردد. شما می‌توانید پیرامون نظریات راجع به خداوند بحث کنید، اما تجربه با او و در او بفرز و ماوراء کلیه مجادلات انسانی و منطق روشنفکرانه صرف می‌باشد. انسان خداشناس تجارب معنوی خود را نه برای متقاعد ساختن بی‌ایمانان، بلکه برای تزکیه و رضایت متقابل ایمانداران توصیف می‌نماید.

این پنداشت که جهان قابل شناخت و قابل فهم است این تصور را ایجاب می‌کند که جهان توسط ذهن ساخته شده و توسط شخصیت اداره می‌شود. ذهن انسان تنها قادر است پدیده‌های فکری اذهان دیگر را درک کند، چه آنها انسان باشند و چه فوق انسان. اگر شخصیت انسان می‌تواند جهان را تجربه نماید، یک ذهن الهی و یک شخصیت واقعی جایی در آن جهان نهفته است.

خداوند روح است، شخصیت روحی. انسان نیز یک روح است، شخصیت بالقوه روحی. عیسی ناصری به تحقق کامل این پتانسیل شخصیت روحی در تجربه انسانی دست یافت، از این رو، زندگی او که دستیابی به خواست پدر بود واقعی‌ترین و ایده‌آل‌ترین آشکارسازی شخصیت خداوند می‌شود. اگر چه شخصیت پدر جهانی فقط در تجربه واقعی مذهبی می‌تواند درک شود، ما در زندگی زمینی عیسی از نمایش کامل چنین واقعیت یافتن و آشکار شدن شخصیت خداوند در یک تجربه راستین بشری الهام می‌یابیم.

## 7- ارزش معنوی مفهوم شخصیت

هنگامی که عیسی در باره "خدای زنده" صحبت می‌کرد، او به یک الوهیت شخصی — پدر آسمانی — اشاره داشت. مفهوم شخصیت پروردگار، همیاری روحانی را تسهیل می‌نماید، پرستش هوشمندانه را مورد توجه قرار می‌دهد، و اطمینانی طراوت‌بخش را ترویج می‌دهد. عملکردهای دوجانبه می‌توانند بین چیزهای غیرشخصی صورت پذیرند، ولی نه همیاری روحانی. رابطه همیارانه پدر و پسر، نظیر رابطه میان خداوند و انسان نمی‌تواند مورد بهره‌وری قرار گیرد مگر این که هر دو شخص باشند. فقط شخصیتها می‌توانند با یکدیگر رابطه ربانی داشته باشند، اگر چه این مشارکت ربانی شخصی می‌تواند تنها با حضور چنین وجود کاملاً غیرشخصی مثل تنظیم کننده فکر بسیار تسهیل گردد.

انسان آن طور که یک قطره آب با اقیانوس پیوند می‌خورد با خداوند به یگانگی دست نمی‌یابد. انسان با همیاری تدریجی متقابل روحانی، با تداخل شخصیتی با خداوند شخصی، با کسب فزاینده طبیعت الهی از طریق انطباق قلبی و هوشمندانه با خواست الهی به یگانگی الهی دست می‌یابد. یک چنین رابطه والایی فقط می‌تواند میان شخصیتها وجود داشته باشد.

مفهوم حقیقت ممکن است جدا از شخصیت در خاطر پرورنده شود، مفهوم زیبایی می‌تواند بدون شخصیت وجود داشته باشد، اما مفهوم خوبی الهی فقط در رابطه با شخصیت قابل فهم است. فقط یک شخص می‌تواند دوست بدارد و دوست داشته شود. حتی زیبایی و حقیقت اگر ویژگیهای یک خدای شخصی، یک پدر پرمهر، نبودند از امید به بقا جدا می‌بودند.

ما نمی‌توانیم به طور کامل بفهمیم که خداوند چطور می‌تواند آغازین، تغییرناپذیر، قادر یگانه، و کامل باشد، و در عین حال با جهانی دائماً متغیر و ظاهراً محدود در قانون، جهانی در حال تکامل و با نقصانهای نسبی، احاطه شده باشد. ولی ما می‌توانیم چنین حقیقتی را در تجربه شخصی خودمان بشناسیم، زیرا به رغم تغییر مداوم خود و محیطمان، هر دو، ما همگی دارای هویت شخصیتی و خواست واحد می‌باشیم.

واقعیت غائی جهان نمی‌تواند از طریق ریاضیات، منطقی، یا فلسفه درک شود، بلکه فقط از طریق تجربه شخصی در انطباق پیش رونده با میل الهی یک خداوند شخصی. نه علم، فلسفه، یا الهیات نمی‌توانند شخصیت خداوند را تصدیق کنند. تنها تجربه شخصی فرزندان ایماندار پدر آسمانی می‌تواند بر درک معنوی عملی از شخصیت خداوند تأثیر بگذارد.

برداشتهای بالاتر از شخصیت جهان حاکی از هویت، خود آگاهی، اراده نفس، و امکان خود - آشکارسازی می‌باشد. و این خصوصیات ویژه بیشتر بر همیاری روحانی با شخصیتهای دیگر و همتراز، نظیر آن چه که در روابط شخصیتی الوهیت‌های بهستی موجود است، اشاره دارد. و وحدت مطلق این ارتباطات آن قدر کامل است که ربانیت با غیرقابل تقسیم بودن، و با یگانگی شناخته می‌شود. "پروردگار خداوند یکتا است." غیرقابل تقسیم بودن شخصیت در اعطای روح خداوند برای زندگی در قلوب انسانهای فانی ممانعت ایجاد نمی‌کند. غیرقابل تقسیم بودن شخصیت یک پدر انسانی مانع تولید مثل پسران و دختران انسان نمی‌شود.

این مفهوم غیرقابل تقسیم بودن در رابطه با مفهوم وحدت به تفوق غائیت الوهیت بر زمان و مکان، هر دو، دلالت دارد. از این رو نه مکان و نه زمان نمی‌توانند مطلق یا بی‌نهایت باشند. اولین منبع و مرکز آن بی‌نهایتی است که به طور نامحدود فراتر از کلیت ذهن، کلیت ماده، و کلیت روح می‌باشد.

واقعیت تثلیث بهشت به هیچ وجه حقیقت یگانگی الهی را نقض نمی‌کند. سه شخصیت الوهیت بهشت، در تمامی فعل و انفعالات واقعی جهان و در کلیه روابط مخلوقات به صورت واحد هستند. و وجود این سه شخص جاویدان حقیقت غیرقابل تقسیم بودن الوهیت را نقض نمی‌کند. من کاملاً آگاهم که هیچ زبان گویایی در اختیار ندارم تا برای ذهن انسان فانی روشن سازم این مسائل جهان برای ما چطور به نظر می‌رسند. ولی شما نباید مأیوس شوید، تمام این چیزها حتی برای شخصیت‌های بالایی که متعلق به موجودات بهستی گروه من هستند نیز به طور کامل روشن نیستند. همیشه به خاطر داشته باشید که این حقایق ژرف مربوط به الوهیت با معنوی شدن تدریجی ذهن شما در طول ادوار پیاپی صعود طولانی انسان فانی به بهشت، به طور فزاینده روشن خواهند شد.

آرائه شده توسط یک مشاور الهی، عضوی از یک گروه از شخصیت‌های آسمانی که توسط قدمای ایامها در یوورسا، ستاد مرکزی فوق جهان هفتم، مأموریت یافته تا بر آن قسمت از این آشکارسازی‌هایی که به دنبال می‌آید و

مربوط به امور خارج از مرزهای جهانی محلی نیادان می‌باشد نظارت داشته باشم. من مسئول نگارش آن مقالاتی هستم که سرشت و ویژگیهای خداوند را ترسیم می‌نماید، زیرا که من نمایانگر بالاترین منبع اطلاعاتی موجود به این منظور در هر کره مسکونی می‌باشم. من به عنوان یک مشاور الهی در تمامی هفت فوق جهانیها خدمت کرده‌ام و برای مدتی طولانی در مرکز بهشتی تمامی چیزها اقامت گزیده‌ام. من بارها از مسرت فوق‌العاده اقامت موقت در پیشگاه پدر جهانی بهره‌مند شده‌ام. من واقعیت و حقیقت طبیعت و ویژگیهای خداوند را با اقتداری چالش‌ناپذیر تصویر می‌کنم. من می‌دانم درباره‌ی که سخن می‌گویم. [